

سینما باشد. چون سینما واحد است و ما نمی‌توانیم آن را دسته‌بندی کنیم.

این مسئله چه آسیبی به آثار می‌زند؟

ما یک سینمای واحد داریم و باید یک استاندارد مشخص را برای همه فیلم‌ها رعایت کنیم. اما وقتی این تفکیک‌ها به وجود آمد، عوامل تبدیل شدند؛ عوامل غیرسینمایی، یعنی عوامل تلویزیونی و ویدیویی، حتی در سریال‌های تلویزیونی هم به نوعی تبدیلی رایج شد. اصطلاحاً بخواهم بگویم، در حوزه کارگردانی، خیلی ساده و سطحی با موضوع برخورد می‌شود؛ یعنی فکر می‌کنند قرار نیست کار خاصی انجام بدهند. مثلاً دو تا «تک» می‌گیرند، یک «توشت»، یک «لانگ»، و سکانس را می‌بندند و تمام... از نظر من به عنوان یک کارگردان این دسته‌بندی‌ها در ضمیر ناخودآگاه ما نشست کرده و این حس که «خب، حالا که اتفاق عجیبی قرار نیست بیفتد، بگیر و برو»، باعث شد کیفیت افت کند. در صورتی که وقتی می‌خواهید سینما کار کنید، دقت می‌کنید، از پلانی استفاده می‌کنید که مفهوم داشته باشد و ریتم برای تان مهم می‌شود. من امیدوارم این نظام تغییر کند. من همیشه سعی کردم نگاهم این گونه نباشد، مگر در شرایط خاص که مثلاً فیلمی باید سریع به آنتن می‌رسید و من صبح ضبط داشتم و شب باید به پخش می‌رسید در غیر این صورت همواره خود را موظف به رعایت یک استاندارد دانستم و تنها تفاوت از نظر من اینحاست که مثلاً اگر بخواهید برای تلویزیون کار کنید، به نسبت ابعاد تلویزیون پلان می‌گیرید اما وقتی می‌خواهید برای سینما کار کنید، باید لحاظ کنید که اثر قرار است روی پرده عریض دیده شود. بنابراین باید پلان‌هایی بگیرید که مخاطب بهتر هم‌ذات‌پنداری کند و از نظر بصری ادیت نشود.

فیلمبرداری «مرجان» چقدر زمان برد و آیا تمام لوکیشن‌ها در تهران بودند؟

ما «مرجان» را تقریباً در اواخر دوران کرونا ساختیم و محدودیت‌ها گاهی برداشته می‌شد و گاهی باز می‌گشت. ما از اواخر سال ۱۴۰۰ کار را شروع کردیم و فیلم‌برداری تا سال ۱۴۰۱ ادامه داشت و فکر می‌کنم حدود ۳۰ جلسه زمان برد. همه‌ی لوکیشن‌ها در تهران و البته بخش اعظمی از لوکیشن‌ها یعنی شاید حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد فیلم داخلی بود و آن ۳۰ تا ۴۰ درصد فضای خارجی، پراکنده بود و بابت آن خیلی ادیت شدیم. به این صورت که هر سکانسی را باید در گوشه‌ای از تهران می‌گرفتیم. اما خب، یک حسن کارمان هم همین بود که چون حدود ۶۰ درصد از صحنه‌ها در خانه «مرجان» اتفاق می‌افتاد، آنجا خیلی متمرکزتر و با فراغ بال بیشتری می‌توانستیم کار کنیم.

ترکیب بازیگران فیلم هم ترکیب سنگینی است و اکثر چهره‌ها شناخته‌شده هستند. طبیعتاً جمع کردن این ترکیب بازیگران، اعتبار خاصی می‌طلبد. شما چطور به این انتخاب‌ها رسیدید و همکاری‌ها چگونه شکل گرفت؟

من این ترکیب و کست را مدیون دو چیزم: اول، فیلمنامه و قصه‌ام. چون به نظر من حتی اگر برادر خودم هم یک سینماگر یا بازیگر سلبریتی و ستاره باشد، وقتی متن خوب نباشد، نمی‌آید و کستی که در این فیلم می‌بینید به «کست آرتیستی» ایران معروفند و بازیگرانی گزیده کار هستند که معمولاً در فیلم‌های آرتیستی دیده می‌شوند. از این جهت وقتی صحبت از یک ترکیب بازیگری با کیفیت می‌شود، به‌ویژه در آن گروهی که به اصطلاح «کست آرتیستی» سینما شناخته می‌شوند، همه روی یک نکته توافق دارند: اول فیلمنامه. این گروه، اول فیلمنامه را می‌خوانند، اگر برای‌شان جذاب بود، وارد مذاکره می‌شوند، و بعد به مرحله مالی می‌رسند. اما دومین چیزی که این کست را مدیونش هستم، مشق‌هایی است که طی سال‌های گذشته در سینما انجام داده بودم. حالا شما لطف داشتید و گفتید اعتبار، ولی من اسمش را می‌گذارم «مشق کردن» و این دوستان لطف داشتند و با توجه به

سیلی زشت خشونت بر چهره زیبای زن

گفت و گوی
صبا با عوامل
فیلم سینمایی
«مرجان»

مریم عظیمی
گفت و گو



رونمایی و اکران فیلم سینمایی «مرجان» به نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی میلاد بنی‌طبا دوشنبه ۲۳ تیرماه انجام شده و این فیلم با حضور بازیگران مطرحی مانند فرید سجادی حسینی، نسیم ادبی، صحر اسداللهی، مهری آل‌آقا، مرتضی امینی تبار، سهند جاهدی و... روی پرده سینماهای هنر و تجربه آماده دیدار با مخاطبان است. «مرجان» که روایتی از خشونت اجتماعی و خانوادگی نسبت به زنان است، از دواج ناخواسته را دستمایه‌ای برای پرداختن به لایه‌های عمیق‌تر این خشونت کرده است تا بار دیگر لزوم پرداخت به این معضل اجتماعی را یادآور شود. در ادامه گپ و گفت خبرنگار صبا با عوامل این فیلم را می‌خوانید.



میلاد بنی‌طبا، تهیه‌کننده و کارگردان:

می‌خواهم فیلمم دیده شود
تا بتواند تأثیرگذار باشد

ایده اولیه ساخت این فیلم از کجا شکل گرفت و چگونه به سناریوی نهایی رسید؟

ایده اولیه این اثر شاید از یک خبر شروع شد زمانی که من خبری درباره قتل رومینای اشرفی خواندم. به‌طور کلی بحث خشونت علیه زنان همواره دغدغه‌ام بوده و هست و فکر می‌کنم تا زمانی که این معضل در جامعه ما وجود دارد دغدغه‌ام باقی خواهد ماند. علتش هم این است که خود من زاده‌ی یک زن و تربیت شده‌ی یک خانم هستم و طبیعی است که چنین قصه‌هایی برای من مهم باشند. من مدتی در ذهنم با این موضوع کلنجار می‌رفتم که چگونه به آن بپردازم چون محدودیت‌هایی برای ساخت چنین آثاری وجود دارد. ضمن اینکه ما پیش‌تر نمونه‌ای مثل خانه پدری ساخته کیانوش عیاری را داشتیم که سال‌ها توقیف بود و همین مسأله جوان‌ترها را می‌ترساند تا به سمت این نوع کارها نروند. از طرفی سرمایه‌گذارها و تهیه‌کننده‌ها معمولاً سراغ پروژه‌هایی با این میزان ریسک نمی‌روند و همیشه این احتمال را می‌دهند که ممکن است کار توقیف شود و همه زحمات از بین برود. در نهایت بعد از یکی دو سال که این موضوع را در ذهنم جلا می‌کردم بالاخره دست به قلم شدم و در نهایت «مرجان» از دل این تلاش بیرون آمد. اما زمانی که شروع به نوشتن کردم، ترجیح دادم فقط یک کاراکتر را دخیل نکنم. ما در دل یک خانواده، آدم‌هایی با اقصای مختلف داریم. شخصیتی داریم که معتاد است و در زندگی

با توجه به سال‌ها فعالیت، در ساخت اولین فیلم سینمایی‌تان، از نظر تکنیکی با چه چالش‌هایی مواجه بودید؟

اجازه بدهید که کمی جهت صحبت را عوض می‌کنم چرا که از نظر من ما نباید دسته‌بندی کنیم. یعنی نباید تفاوتی میان سینما و تلویزیون حداقل از نظر کارگردانی یا حتی متن قائل شویم. متنها در ایران، اولین بعدی که در تلویزیون با آن برخورد می‌کنیم، متن است. یعنی فیلمنامه‌های تلویزیونی با فیلمنامه‌های سینمایی متفاوت می‌شوند، چون در سینما دست‌تان بازتر است، ولی در تلویزیون محدودتر هستید. اما عملاً در کارگردانی و پردازش، ما در تمام دنیا چنین دسته‌بندی را نمی‌بینیم و فقط در ایران چیزی به عنوان «فیلم ویدیویی» و «فیلم سینمایی» داریم و ای‌کاش نظام سینمایی ما فکری به حال این موضوع می‌کرد که چرا باید این دسته‌بندی وجود داشته باشد؟ در حالیکه زمان و همه‌چیزشان یکی است، اما پروانه‌های‌شان فرق کرده و در نتیجه افرادی که در این حوزه فعالیت می‌کنند نیز دسته‌بندی شده‌اند و این دسته‌بندی به نظر من غلط است. در سینمای ایران، از زمانی که این تفکیک ایجاد شده، ما به یک مسیر متفاوت افتاده‌ایم. در گذشته این گونه نبود؛ ما یک فیلم سینمایی داشتیم و یک سریال و از این قالب‌ها خارج نمی‌شدیم. یک استاندارد جهانی وجود داشت: فیلم کوتاه، فیلم سینمایی و سریال. اما در ایران، ناگهان این تفکیک به‌وجود آمد. همین اتفاق‌ها باعث شده که وقتی شما بخواهید فیلم سینمایی بسازید، آدم‌هایی که با آن پروژه همراه می‌شوند، عدد و رقم و برآوردهای مالی‌شان فرق کند و همه چیز از دوربینی که می‌آورد تا باقی مسائل چیز متفاوت می‌شود. ولی من در کارگردانی، همیشه سعی کرده‌ام نگاه، نگاه

شخصی‌اش به مشکل خورده، به‌طوری‌که همسرش او را از خانه بیرون کرده، برادر بزرگ‌ترش را داریم که در جوانی همه کاری کرده و حالا متوجه اشتباهاتش شده و می‌خواهد زندگی‌اش را بسازد اما موفق نمی‌شود و برادر کوچک‌تر که نماینده قشر جوان امروز جامعه ماست، ذهنی بازتر و نگاهی روشنفکرانه‌تر به مسائل دارد. درباره زنان قصه نیز چنین تنوعی وجود دارد و تصمیم این بود که نگاه تک بعدی به فیلم نداشته باشد. گرچه اسم فیلم «مرجان» است و برای مرجان ساخته شده، اما ترجیح دادم که از منظر دیگران نیز به قصه نگاه شود. این فیلم اصلاحات زیادی خورد و در مسیر دریافت پروانه ساخت، بسیار ادیت شدیم، اما خدا را شکر موفق شدیم مجوز ساخت را دریافت کنیم و کار را بسازیم.

چه شد که تصمیم گرفتید خودتان شخصاً تولید این فیلم را آغاز کنید؟

در نهایت وقتی متن تمام شد، به این نتیجه رسیدم که خودم فیلم را بسازم یعنی از نظر مالی چون نمی‌خواستم پروژه خاک بخورد. به‌ویژه در آن دوره که دوباره اخبار مختلفی از وقوع چنین خشونت‌هایی در جامعه منتشر می‌شد و این اتفاقات همچنان در سرزمین ما جریان داشت. در واقع دیدم این مسئله در کشور ما که نماد فرهنگ و تمدن است هر روز بیشتر می‌شود در حال زیاد شدن است و می‌خواستم سهمی هر چند کوچک در روشننگری و آگاهی‌رسانی در باب این خشونت‌ها داشته باشم.

این اولین اثر سینمایی شما هم هست؟

بله، من سالها برای تلویزیون فیلم و سریال ساختم اما در حوزه آثار سینمایی این اولین فیلم بلند من است.